

توسعه پایدار در جامعه مهدوی

سعید فراهانی فرد^۱

مقدمه:

بحث توسعه اقتصادی به صورت سازمان‌یافته با کتاب ثروت ملل آدام اسمیت (۱۷۷۶) در ارتباط با اقتصاد انگلستان شروع شد. در ادامه غیر از تلاش شومپیتر (۱۹۳۴ و ۱۹۱۱) که نقش کارآفرین را در رشد نشان داد، توسعه اقتصادی در فاصله زمانی طولانی، دوران رکود و رخوت را طی کرد. پس از جنگ دوم جهانی، دل‌مشغولی این دانش به طور گسترده، رشد خودجوش کشورهای جهان سوم بدون اتکای به کمک خارجی قرار گرفت. بحث سرمایه به عنوان اساسی‌ترین عامل توسعه یافتگی، و خروج از دایره فقر تلقی می‌شد. بعلاوه، تا اوایل دهه ۱۹۷۰، توسعه معادل با رشد فیزیکی و به معنای انباشت سرمایه مطرح بود و در کشورهای اروپایی عمدتاً به مفهوم بهره‌برداری از منابع طبیعی کشورهای مستعمره و گشودن بازارها برای منافع آن کشورها بود.

رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت تکنولوژی بود پیامدهایی در عرصه محیط زیست و منابع طبیعی داشت که بتدریج موجب نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به طور عام گردید. از بین رفتن گونه‌های حیاتی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست محیطی، آلودگی هوا و گرم شدن زمین در اثر آسیب لایه ازن، از بین رفتن منابع پایان پذیر و در معرض خطر قرار گرفتن منابع تجدیدپذیر بخشی از نگرانی بوجود آمده بود. این نگرانی از این جهت بود که اولاً رشدی که با چنین سرعتی جهت‌گیری شده است، پایدار نمی‌تواند

۱- عضو هیأت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

باشد، ضمن این که چنین رشدی نمی‌تواند هدف رفاه و آسایشی را که برای رسیدن به آن طراحی شده بود را فراهم کند. از طرف دیگر، افزایش شکاف طبقاتی علی‌رغم پیشرفت‌هایی جدی که در عرصه اقتصاد بوجود آمده بود، نیز نگرانی عدالت‌دوستان را برانگیخته بود. شکاف طبقاتی در سه محور بوجود آمده است: ۱- بین طبقات مختلف یک کشور؛ ۲- بین کشورهای مختلف یک نسل؛ ۳- بین نسل‌های مختلف. بی‌عدالتی موجود پیامد این حقیقت بود که اقتصاددانان، در بررسی مسئله اقتصادی توجهی به مسئله عدالت به طور کلی و عدالت بین نسلی به صورت خاص نداشتند. برای آنان توسعه نیز تنها رسیدن به مسئله رشد مهم بود که آن را با شاخص‌هایی کاملاً فیزیکی از جمله تولید ناخالص ملی و یا درآمد سرانه می‌سنجیدند بدون توجه به این که توزیع این تولید یا درآمد در بین طبقات یا دهک‌های مختلف درآمدی چگونه بوده است این گفته لوئیس (۱۹۵۵) که «ابتدا باید اشاره نمود که مسئله ما رشد است نه توزیع» نشانگر تأکید بر این ادعا است.^۱

بعد از مدتی نزاع تمام نشدنی بین طرفداران رشد اقتصادی و عدالت توزیعی، جامعه علمی به سمت توسعه انسانی گرایش پیدا کرده و در کنار رشد، توجه به شاخص‌های آموزش و سلامت عمومی را نیز مورد توجه قرار داد. این شاخص‌ها به نوعی بدنبال تحقق نموده‌های عدالت در جامعه بودند. بدنبال آن شاخص‌های توسعه انسانی تعدیل شده ابعاد دیگری از عدالت از جمله عدالت توزیعی، عدالت جنسیتی و ... را دنبال کردند. اما همچنان این مباحث در درون یک نسل مطرح بود. و نگرانی نسبت به سرنوشت نسل‌های آینده و سهم آنان از مواهب طبیعی خدادادی که در مسیر بهره‌برداری بی حساب در نسل موجود قرار گرفته به قوت خود باقی بود. این دل مشغولی‌ها

زمینه بحث و گفتگوهای فراوانی را درباره عدالت بین نسلی و این که نعمت‌های خداوند به همه نسل‌ها تعلق دارد، و نسل‌های بعدی را نیز باید در منافع حاصل از رشد اقتصادی سهیم نمود فراهم آورد.

در مجموع این نگرانی‌ها موجب شد توسعه پایدار به عنوان یکی دیگر از ابعاد قابل توجه در روند تحولات توسعه مورد توجه قرار گیرد. در این مرحله ضمن تأکید بر اصل کارایی به عنوان اصل تحقق توسعه، در جهت پایداری آن بر دو نکته اساسی توجه شده است.

اولین نکته مورد توجه در ادعای طرفداران توسعه پایدار احترام به محیط زیست به عنوان جزء جدانشدنی از توسعه اقتصادی است. برخورداری عموم مردم از مواهب و منافع توسعه و توجه به منافع نسل‌های آینده خصوصاً در بهره‌برداری از منابع طبیعی دومین نکته قابل توجه در بحث توسعه پایدار می‌باشد. ملاحظه اصولی که چارچوب کلی توسعه یافتگی را در نظام اقتصادی اسلام ترسیم می‌کند به همراه، دورنمای جامعه آرمانی مه‌وی، نگرانی‌های موجود نسبت به آینده توسعه یافتگی را مرتفع می‌سازد.

در این مقاله ابتدا توسعه پایدار و ویژگی‌های آن را بیان می‌کنیم. سپس اصول و نهادهایی را معرفی می‌کنیم که پیش بینی آن‌ها در نظام اسلامی، نگرانی درباره ناپایداری توسعه را مرتفع می‌سازیم. در ادامه استفاده از آموزه‌های دینی خصوصاً روایات مربوط به عصر ظهور، خصوصیات جامعه توسعه یافته در آن زمان را به بحث خواهیم گذاشت. به نظر می‌رسد در چنین جامعه‌ای دل‌نگرانی‌های موجود نسبت به پایداری توسعه و آثار تخریبی توسعه یافتگی نسبت به محیط زیست و نیز بی‌عدالتی در بهره‌مندی از مواهب توسعه وجود نداشته باشد.

تعاریف توسعه پایدار

متداولترین تعریف از توسعه پایدار، تعریفی است که کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)^۱ ارائه داده است. کمیسیون مذکور توسعه پایدار بدین صورت تعریف می‌کند: توسعه‌ای که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نمودن نیازهای خود برآورده می‌نماید.^۲

در همین راستا کمیته توسعه پایدار سازمان ملل تعریف خود را این گونه ارایه می‌دهد: افزایش پایدار در تولید و مصرف کالاها و خدماتی که مربوط به نیازهای اولیه بوده و کیفیت زندگی را ارتقاء می‌دهند. این کار باید همزمان با کاهش بهره برداری از منابع طبیعی و مواد سمی و پراکندن زباله‌ها و آلاینده‌ها در چرخه زندگی باشد تا نیازهای نسل‌های آینده را دچار مخاطره نسازد.^۳

در برخی از تعاریف، بر حقوق نسل‌های بعد به قدری توجه شده که گفته‌اند: هر نسل باید منابع آب و هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند حفظ نموده و برای نسل بعد باقی گذارد.^۴ سولو این تعریف را برای پایداری به عنوان یک تعهد جهت حفظ منافع جهانی تعریف روان ولی غیرممکن می‌داند. به همین جهت برخی تعریف فوق را تعدیل نموده و پایداری را به عبارت از حفظ فرصت‌ها برای نسل آینده دانسته‌اند.^۵

۱ - World Commission on Environment and Development (WCED)

۲ - WCED, ۱۹۸۷, P-۴۳

۳ - <http://iisd.ca/susprod>

۴ - پرمن، ۱۳۸۲، ص ۱۰۸، به نقل از یونسکو

۵ - پرمن، همان

برخی از تعاریف نیز بر چگونگی استفاده از منابع طبیعی اشاره کرده و بر حفظ ذخایر آن منابع یا درآمد پایدار آنان تأکید ورزیده‌اند.^۱

بعضی از اقتصاددانان محیط زیست نیز پایداری را بیشتر از جنبه‌های زیست محیطی نگریسته‌اند و در تعریف پایداری گفته‌اند: وضعیت پایدار وضعیتی است که حداقل شرایط برای ثبات اکوسیستم‌ها و توانایی مقابله اکوسیستم با شوک‌ها را در طول زمان فراهم کند.^۲

ویژگی‌های توسعه پایدار

ادبیات موجود درباره توسعه پایدار بر سه ویژگی اساسی توسعه یافتگی، عدالت و حفظ محیط زیست تأکید فراوان دارند. توسعه یافتگی مهمترین خصوصیت توسعه پایدار، رسیدن به سطح مطلوبی از توسعه یافتگی است، به تعبیر دیگر باید توسعه‌ای باشد که بحث از پایداری آن شود. توسعه فرآیندی است که فرصت‌ها و امکان انتخاب انسان‌ها را گسترده کرده و قابلیت‌های آنان را افزایش می‌دهد. در این صورت پایداری به معنای این است که چنین توسعه‌ای حق نسل‌های آینده نیز می‌باشد.

فرصت‌ها و قابلیت‌ها ایجاد شده در فرآیند توسعه، از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است. از جنبه اقتصادی و به تعبیر دیگر توسعه اقتصادی را می‌توان تلاش برای نیل به سطحی قابل قبولی از قابلیت‌ها دانست که به منظور تأمین نیازهای بشر و رسیدن به رفاه عمومی صورت می‌گیرد. این

۱- همان، ص ۱۰۶

۲- همان، ۱۱۶

نیازها بسته به شرایط زمانی و مکانی ممکن است متفاوت باشد و از نیازهای ضروری زندگی (خوراک، پوشاک، سرپناه و بهداشت) تا نیازهای رفاهی (ورزش و تفریح و ...) را شامل می‌شود. رسیدن به حد مطلوبی از امنیت، دانش، آزادی در ابعاد مختلف آن، نیز جنبه‌های دیگر توسعه‌یافتگی را تشکیل می‌دهد.

به طور طبیعی با توجه به محدودیت منابع طبیعی، استفاده کارآمد از منابع در این جهت ضرورت به نظر می‌رسد. استفاده کارآمد از منابع طبیعی به معنای این است که هیچ‌گونه افراط و تفریطی در استفاده از آنان صورت نگیرد رفتارهای بهره‌وران بر اساس عدل باشد و هیچ‌گونه انحصار و تکاثری در استفاده از آنان نباشد، مدیریت بر منابع که نوعی از سرمایه انسانی است کارآمد بوده و بر اساس اصل شایسته‌سالاری، مدیران توانا در جایگاه مناسب خود مورد استفاده قرار گیرند و افراد ناتوان و ناکارآمد بر پست‌های مدیریتی تکیه نکنند در این صورت با توجه به وافی بودن منابع طبیعی و این که خداوند متعال تمام آن چه را برای رفاه بشر لازم بوده آفریده است، یقیناً توسعه محقق خواهد شد.

عدالت: یکی دیگر از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار، مسئله عدالت و عدالت بین نسلی است. در مقدمه مقاله سیر قرار گرفتن این ویژگی در ادبیات توسعه پایدار، به صورت مبسوط به بحث گذاشته شد و چنان چه در تعاریف توسعه پایدار نیز گذشت، در همه آنان به این ویژگی خصوصاً در بعد بین نسلی آن تأکید شده است.

محیط زیست: ویژگی دیگر توسعه پایدار همچنان که در پیشینه و نیز تعاریف توسعه پایدار گذشت، فراهم نمودن محیط زیستی سالم و جلوگیری از تخریب آن است. زیرا حتی در صورتی که بتوانیم رشد اقتصادی را نیز محقق سازیم اما بدون داشتن چنین محیطی، اسباب آسایش

انسان ایجاد نخواهد شد. آموزه‌های دینی در استفاده درست از منابع زیست محیطی تأکید دارند و از هر گونه تخریبی نسبت به محیط زیست به شدت منع می‌کنند. از طرفی همه موجودات، گیاهان و عناصر چرخه زیست محیطی دارای حق می‌باشند و انسان نسبت به آن‌ها مسئول است. نتیجه این تأکیدها و رهنمودهای حقوقی و اخلاقی حفظ تنوع زیست محیطی و جلوگیری از ایجاد عدم تعادل در آن است. تمام قواعد بازدارنده همانند حرمت اتلاف، اسراف و اصل نظارت دولت به منظور حفظ این تعادل است.

اصول پیش‌بینی شده جهت تحقق توسعه پایدار در جامعه مهدوی

جهت‌گیری اولیه مکاتب الهی و به خصوص شریعت اسلام، تربیت انسان و تقویت بنیان‌های اعتقادی اوست، چنان‌چه پیامبر اکرم صلوات الله علیه بخش قابل توجهی از دوران رسالت خود را به خصوص در مکه به این مهم پرداختند. انسان معتقد و تربیت شده در دامن مکاتب الهی، به عنوان اساسی‌ترین عنصر جهان هستی رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی را نسبت به تضییع حقوق هموعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه را به همراه نخواهد داشت. هماهنگی بین عالم تکوین، تشریح و پاداش و جزا نقش بسیار مهمی در تحقق توسعه پایدار خواهد داشت. خداوند متعال تمام هستی را برای رفاه نوع بشر خلق کرده است و جهان را کارگزار و مسخر او قرار داده است. در بین تمام موجودات، انسان را گرامی داشته و به عنوان اشرف مخلوقات قلمداد کرده است. از طرف دیگر قوانینی را مطابق با فطرت اولیه انسان‌ها و در راستای هدایت و نیل به کمال انسان تشریح نموده است و از آن‌جا که دین اسلام دین واقع‌گرا می‌باشد، متناسب با همین قوانین و نیز با در نظر گرفتن

ظرفیت و توان انسان، پاداش‌ها و مجازات‌هایی برای او در نظر گرفته است. مراجعه به برخی از آموزه‌های اسلام اصولی را نبیین می‌نماید که دقت در آن‌ها نگرانی نسبت به پایداری توسعه را مرتفع می‌سازد. از آن جا که با استفاده از روایات در جامعه مهدوی، زمینه تحقق این آموزه‌ها به خوبی فراهم می‌باشد، به همین سبب ادعا بر این است که در عصر ظهور هیچ گونه نگرانی درباره پایداری توسعه وجود نخواهد داشت.

۱. اصل کفایت منابع طبیعی و عدم کمیابی بالقوه

برخلاف تصور بدبینانه نسبت به وضعیت معیشت نسل‌های آینده که برگرفته و متأثر از افکار و عقاید مالتوس و دیگر اقتصاددانان بد بین می‌باشد، در اعتقادات اسلامی، منابع به اندازه کافی برای حیات بشر و نیز رفاه عمومی افراد جامعه وجود دارد. بدیهی است که تحقق این هدف، دارای ملزوماتی است که از جمله می‌توان به استفاده درست و عادلانه از این منابع استفاده کرد. به این مسئله در آیات قرآن مورد تصریح قرار گرفته است. به طور مثال دو آیه زیر بر فراوانی نعمت‌های الهی تأکید می‌کند.

و اتاکم من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمه الله لاتحصوها^۱

و اسبغ علیکم نعمه ظاهر و باطنه^۲

و در برخی از آیات نیز توجه داده شده است که این نعمت‌های فراوان بخشی از نعمت‌های گسترده‌ای است که گنجینه‌های آن نزد خداوند متعال است:

۱- قرآن کریم، ابراهیم: ۳۴

۲- قرآن کریم، لقمان: ۲۰

ما من شيء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم^۱

و بر اساس برخی آیات دیگر، در صورت شایستگی مردم و جوامع خداوند این نعمت‌ها را بر آن‌ها ارزانی خواهد داشت.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ^۲ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

به طور طبیعی و بر اساس روایات وارد، در عصر ظهور، درجه تقوا و ایمان توده‌های مردم فزونی خواهد یافت و بر اساس صریح آیه فوق برکات خداوند نیز بر آنان فراوان می‌گردد. نکته قابل توجه در این آیه کلمه برکت است که در آن معنای تداوم و استمرار نهفته است و این مسئله در بحث پایداری نقش مهمی را داراست.

روایاتی که درباره زمان حضرت مهدی وارد شده است نیز مؤید این مطلب است. مضمون این روایات این است که در آن دوره مردم در فراوانی بسر می‌برند.

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم نقل می‌کند که فرمود: امت من در زمان مهدی (عج) به گونه‌ای از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز پیش از آن مشابه آن بهره‌مند نبوده است، آسمان بی‌دری بر آنان می‌بارد و زمین از رویدنی‌هایش هیچ فروگذار نمی‌کند.^۳

۱- قرآن کریم، حجر ۲۱

۲- قرآن کریم، الاعراف: ۹۶

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۸۳، ح ۳۷

۲. اصل خلافت انسان و امانتداری او در روی زمین

خداوند متعال انسان را خلیفه^۱ و امانتدار^۲ خود در روی زمین معرفی نموده است و جهان را در تسخیر او قرار داده است. الله الذی سخر لکم البحر لتجرى الفلک فیہ بامرہ و لتبتغوا من فضلہ و لعلکم تشکرون. خداوند کسی است که دریا را مسخر شما قرار داده است تا در آن کشتیرانی کنید و از فضل او بهره‌گیرید و شاید سپاسگزاری کنید.^۳

تسخیر به معنای تسلط بر طبیعت نمی باشد بلکه نوعی استفاده همراه با هدایت می باشد. هر گاه طبیعت را مسخر انسان بدانیم یعنی بگوییم انسان بر طبیعت مسلط است و هر کاری را بخواهد می تواند نسبت به آن روا دارد "تلویحا" خرده ای را که عده ای به تعالیم ادیان گرفته مبنی بر این که تخریب محیط زیست ناشی از نگاه سلطه آمیز ادیان الهی برای انسان به طبیعت است را قبول نموده ایم.^۴ اما به معنای دوم این است که طبیعت قابلیت هدایت و در مسیر استفاده بهینه قرار گرفتن را دارد و بشر این توانایی را دارد که با قدرت فکری خود از پدیده های طبیعی استفاده لازم را بکند و به اصطلاح طبیعت از این لحاظ همانند موم در دست بشر است و در این راستا از خود مقاومتی نشان نمی دهد. می توان چنین سلطه ای را به سلطه پدر بر فرزندش تشبیه نمود که خداوند فطرتا^۵ این هدایت پذیری و قابلیت تربیت را در انسان قرار داده است و این هرگز به معنای این نیست که پدر یا معلم هر رفتاری را بخواهد می تواند با فرزندش بکند. باران به عنوان یکی از نعمت های طبیعی خداوند هر گاه به حال خود رها شود منجر به

۱- قرآن کریم، بقره، آیه ۳۰

۲- قرآن کریم، احزاب، آیه ۷۲

۳- قرآن کریم، جائیه، آیه ۱۲

۴- هات، ص ۱۳۸۲: ص ۳۰۴

تخریب مسیر خود می شود اما در صورت هدایت آن و در مسیر صحیح قرار دادن آن ضمن استفاده صحیح از آن از تخریب آن نیز جلوگیری می شود^۱

دقیقاً بر همین اساس است که هرگونه استفاده مسرفانه از این منابع و نیز تخریب و تلف نمودن آن‌ها ممنوع گردیده است و انسان به عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین مأموریت یافته بخشی از این اموال را انفاق نماید. و نیز بر اساس همین تفکر انسان در صدد بهره‌برداری انحصارگرایانه از طبیعت و تضييع حقوق دیگران بر نمی‌آید بلکه حاضر است بخشی از دسترنج خود را در اختیار انسان‌های دیگر قرار دهد و یا اقدام به فعالیت‌هایی نماید که نتیجه آن را نسل‌های بعد می‌بینند. و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ^۲.

با استدلالی شبیه آن چه در قسمت قبل گذشت، انسان‌هایی که شایستگی درک حضرت ولی عصر را پیدا کرده‌اند، سزاوارترین افراد برای واجد بودن عنوان جانشینی و امانتداری خداوند بوده و به خوبی از این امانت حفاظت می‌نمایند.

۳. تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای ثروت‌های طبیعی

خداوند متعال با تشریح مالکیت دولتی و عمومی برای منابع طبیعی و موظف نمودن دولت بر نظارت مستمر بر استفاده بهینه و عادلانه از آن‌ها راه‌های سوء استفاده صاحبان قدرت و نفوذ را مسدود نموده است و از این که این ثروت‌ها در انحصار گروه‌های خاصی درآید جلوگیری نموده است، مشاهده می‌کنیم که بخش قابل توجهی از ثروت‌های طبیعی تحت عنوان انفال در مالکیت

۱- یوعلا علی، ۱۴۱۶ ه. ق. در کتاب ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، ص ۲۶۲-۲۶۷

۲- قرآن کریم، حدید، آیه ۷

دولت قرار دارد و بخش دیگر نیز مانند اراضی خراج (زمین‌هایی که با جنگ مسلمانان فتح نموده‌اند) در مالکیت عمومی و تحت نظارت دولت قرار دارد. بخش سومی هم تحت عنوان مباحات عامه، گرچه در مالکیت کسی نیست و عموم مردم می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند با این وجود این بخش نیز جزء بخش عمومی محسوب شده و دولت بر چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها نظارت دارد. خداوند متعال هدف از این که چنین اموالی را در اختیار دولت قرار داده است ایجاد عدالت بین مردم و جلوگیری از این که این دارایی‌ها در انحصار گروهی از مردم درآید می‌باشد.^۱

بسیاری از این منابع حتی اراضی خراج که در مالکیت عمومی قرار داشته و قابل انتقال به غیر نیستند در عصر غیبت ائمه علیهم السلام در اختیار بخش خصوصی قرار گرفته و برخی از آنان نیز قابل تشخیص نمی‌باشند به طوری که امروزه اثری از اراضی خراج باقی نمانده است. در زمان ظهور، این زمین‌ها و سایر منابعی که به شکل‌های مختلف از بخش دولتی خارج شده به مالکیت دولت برگشت داده می‌شود تا در جهت مصالح عموم مسلمانان مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

۴. تشریح نهادهای احیا و حیازت

در نظام اسلامی، گرچه مالکیت منابع عمدتاً در اختیار بخش عمومی قرار داده شده، اما تجربه صدر اسلام نشانگر این است که نظام اسلامی در صدد است که خود مردم این منابع را به کارگیرند و اصولاً فعالیت‌های دولت مکمل فعالیت بخش خصوصی و در مواردی است که بخش خصوصی یا تمایل به وارد شدن در فعالیتی را ندارد و یا به جهاتی سپردن آن فعالیت به بخش خصوصی به مصلحت مسلمانان نمی‌باشد. به همین جهت نهادهای متعددی برای به کارگیری

بخش خصوصی در بهره برداری از منابع طبیعی پیش بینی شده است. بدیهی است در همه این موارد دولت بر چگونگی استفاده بخش خصوصی از این منابع نظارت دارد، و با سیاست گذاری فعالیت‌ها را به سمت منافع ملی جهت می‌دهد و همچنین از هر گونه افراط و تفریط در استفاده از منابع، تضییع حقوق سایر مردم و از جمله نسل‌های بعد جلوگیری به عمل می‌آورد. ایجاد انگیزه در بخش خصوصی برای ایجاد عمران و آبادی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه کسانی که می‌توانند با فعالیت اقتصادی برای تأمین نیازهای خود اقدام کنند، فراغت دولت از تصدی‌گری و پرهیز از هزینه‌های غیرضرور، از آثار مثبت این نهادها است. همان گونه که اشاره شد نظارت دقیق دولت در جلوگیری از رانت‌خواری و نیز حیف و میل منابع دولتی در این راستا ضروری است. در جامعه مهدوی، با توجه به شفافیت قوانین و نیز اطلاعات فراوانی که برای دولت اسلامی وجود دارد، ضمن تعالی معنوی مسلمانان، زمینه کارکرد شایسته این نهادها فراهم خواهد بود.

۵. اصل حاکمیت دولت

از مهمترین عوامل موفقیت در اجرای خوب سیاست‌ها و قوانین وجود ضمانت اجرایی قوی برای آنان می‌باشد، در غیر این صورت بهترین برنامه‌ها امکان تحقق پیدا نمی‌کنند. اصولی که در فوق اشاره شد زمینه را برای تدوین برنامه و قانون مناسب در راستای بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط زیست فراهم می‌نمایند با این وجود اجرای خوب این برنامه‌ها، نیازمند به حاکمیت دولتی مقتدر است. در نظام اسلامی، اولاً "مالکیت بخش قابل توجهی از این منابع برای دولت است و بخش دیگری را نیز دولت، به نمایندگی از عموم مردم سرپرستی می‌کند. این برخورداری دولت از حق مالکیت و یا نظارت بر اکثر منابع طبیعی، این امکان را برای او فراهم

می‌آورد تا با برنامه‌ریزی صحیح زمینه بهره‌برداری بهینه مدبرانه، و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد. بدیهی است چنین برخورداری دولت به معنای تصدی مستقیم خود دولت نمی‌باشد بلکه بر اساس مصالح عمومی و شرایط زمانی و مکانی، یکی از راه‌های تصدی، مشارکت با بخش خصوصی و یا واگذاری به آن را اختیار می‌کند. از طرفی با وجود احترام بخش خصوصی و مالکیت و فعالیت‌های اقتصادی این بخش، و نقش قابل توجه آن در اقتصاد، در صورتی که اعمال مالکیت این بخش و یا فعالیت‌های اقتصادی‌اش منجر به زیان عمومی و یا اختلال نظام شود، دولت بر اساس اصل حاکمیت دولت و نیز اصول مصلحت و حفظ نظام، می‌تواند و بلکه موظف است آزادی بخش خصوصی را محدود کرده و راه کارهایی را جهت برقراری اصول فوق اتخاذ نماید. طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد. همچنین به منظور تحقق اهداف عدالت در بهره‌برداری از منابع دولت اسلامی می‌تواند در محدوده شرع، مقررات خاص جعل و براساس اصل منطقه الفراغ یا رعایت مصلحت عمومی یا ولایت مطلقه، قوانین حکومتی متغیر تعیین کند.^۱

بدیهی است دولت مهدوی با توجه به برخورداری از دانش عاری از اشتباه (عصمت) که نتیجه‌اش در جعل قوانین شفاف و مناسب و سیاست گذاری آشکار می‌شود، منابع مالی فراوان (وفور نعمت در عصر ظهور)، مشروعیت تام الهی و نیز پشتوانه مردمی، از حاکمیتی مقتدر برخوردار است که توفیقات زیادی را در تحقق توسعه پایدار به همراه خواهد داشت.

ویژگی های جامعه مهدوی

در ادبیات دینی همواره جامعه آرمانی مهدوی، جامعه‌ای ایده‌آل و به عنوان الگوی مطلوب مسلمانان معرفی شده و تحقق آن از وعده‌های خداوند و پیشوایان معصوم علیهم السلام شمرده می‌شود. در روایاتی که مربوط به عصر ظهور و تشکیل دولت جهانی حضرت ولی عصر (عج) می‌باشد ویژگی‌های فراوانی برای چنین جامعه‌ای ذکر شده که تحقق جامعه‌ای توسعه یافته را نوید می‌دهد که به لحاظ ابتناء بر عدالت و نیز پرهیز از تخریب منابع زیست‌محیطی پایدار نیز می‌باشد. در این مقال به اختصار مهمترین ویژگی های دولت توسعه یافته مهدوی را برمی‌شماریم:

۱. رشد معنویت و تربیت جامعه صالح

تفاوت اساسی راهبردهای توسعه سکولار محور، با راهبردهای دینی، در این است که مکاتب الهی به لحاظ این که هدف اصلی خلقت انسان را تقرب به خداوند می‌دانند و معتقدند تنها اندکی از کمال انسان در این دنیا تحقق می‌یابد و بیش‌تر آن در دنیای دیگر، بنابر این، تأکید اصلی راهبردهای ارائه شده از جانب این مکاتب خصوصاً دین اسلام برای توسعه، بر این است که برنامه‌ریزی جهت تحقق اهداف توسعه و رسیدن به آبادانی دنیا و آسایش همگانی باید با توجه به این هدف انجام شود. گسترش دانش و تأمین بهداشت و امنیت و رفاه جامعه وقتی ارزشمند است که در این چارچوب باشد نه به قیمت فدا کردن ارزش‌های معنوی و از یاد بردن هدف اصلی یعنی سعادت اخروی. البته این سخن به معنای بازماندن از دانش و رفاه نیست؛ بلکه در روایات

می‌خوانیم: هرگاه انسان از راه صحیح در پی هدف اصلی خود یعنی تأمین سعادت اخروی باشد، در دنیا نیز دنیا سعادت‌مند می‌شود.^۱

چنین هدفی که در اساس توسط پیامبران راستین خداوند به مردم ابلاغ شده، در اثر فاصله گرفتن مردم از تعالیم ناب، و نیز حاکمیت غاصبانه ستمگران، به تدریج کمرنگ و در برخی نواحی به خاموشی گراییده است و بسیاری از مصیبت‌هایی که بشر امروزی به آن گرفتار است، ناشی از دور شدن از معنویات و نیز بی‌اهمیتی به تربیت خود در راستای هدفی است که خداوند متعال برای او تعیین کرده است. بنابراین حضرت مهدی (عج) در گام اول به این مهم اقدام نموده و تربیت انسان‌هایی صالح برای تشکیل نظام جهانی خود را شروع می‌کند. البته طبیعی است که فلسفه انتظار زمینه چنین اقداماتی را فراهم کرده و کادرهای اولیه برای این کار بوجود آمده‌اند. در جامعه مهدوی، صفات رذیله از جامعه رخت برمی‌بندد و زمینه گناه و جرایم اجتماعی، اقتصادی و ... از بین می‌رود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «و یحسن حال عامه الناس... و یجمع الله الکلمه، و یؤلف بین القلوب مختلفه، و لا یعضی الله - عزوجل - فی ارضه...»^۲

در عصر حضرت مهدی (عج) خداوند وحدت کلمه پدید می‌آورد، و قلوب ناسازگار را با یکدیگر الفت می‌بخشد و معصیت او در روی زمین صورت نپذیرد..

همین طور که در این حدیث هم اشاره شد، دشمنی و کینه بین اقشار و طبقات جامعه از بین رفته و جای خود را به محبت و فداکاری خواهد داد از علی علیه السلام نقل شده است که: ... و لو

۱- الامدی، ۱۳۶۰: ص ۲۴، ج ۳۷۵۱

۲- مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۱۲۷

قد قام قائمنا لذهبت الشحنة من قلوب العباد،^۱ ... و چون قائم ما قیام کند کینه ها از دل ها بیرون رود. این ناشی از گسترش عدالت و ایجاد رفاه عمومی بین مردم می باشد. این صمیمیت تا حدی است که طبق برخی روایات هر کس چه نیاز دارد از جیب دیگری برمی دارد بدون هیچ ممانعتی. امام باقر علیه السلام؛ حتی اذا قام القائم جاءت المزاملة، و یأتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لایمنعه^۲

از طرف دیگر، در آن زمان روحیه استغناء و بی نیازی در مردم پیدا می شود به گونه ای که وقتی حضرت اعلان می کند هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید کسی پیشقدم نمی شود.^۳ همچنین از جهت معنویت و گرایش به عبادت و منویت نیز در مردم آن زمان رو به فزونی می نهد به طوری که حضرت علی علیه السلام می فرماید: مردم در زمان مهدی (عج) به عبادت و دین روی می آورند و نماز را با جماعت برگزار می کنند^۴

۲. برقراری عدالت گسترده و همه جانبه

عدالت همواره در حوزه های مختلف معارف بشری به صورت مسئله ای اساسی مورد توجه بوده است در مقام عمل و اجرا با مشکلات و موانع جدی مواجه شده است. در کلام خداوند، عدالت از اساسی ترین مفاهیم دینی معرفی شده و هدف مهم پیامبران دانسته شده است. پیامبر خدا صلوات الله علیه حکومت و دین خود را بر اساس عدالت بنا نهاده و در

۱- همان، ص ۳۱۶

۲- شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه: ص ۲۴

۳- طبسی، ۱۳۸۲: ص ۱۸۵، به نقل از ابن طاووس (ملاحم)، ص ۷۱

۴- طبسی، همان، ص ۱۸۴، به نقل از مقدسی (عقد الدرر)، ص ۱۵۹

کلمات امام علی علیه السلام عدالت قانونی فراگیر و سنتی تغییر ناپذیر در جهان خلقت و ضرورتی تخلف ناپذیر در اجتماعات بشری و نظام تشریح، معرفی شده و بر ضرورت هماهنگی دو نظام تکوین و تشریح، تأکید شده به گونه‌ای که حضرتش به عنوان امام عدالت شهرت یافته است. ایشان در روایتی که از ناحیه حضرتشان نقل شده، عدالت را سبب قوام و پایداری و نیز تضعف برکات در جامعه دانسته است و در کلام دیگر معصومان نیز عدالت مساوی با بی‌نیازی مردم قلمداد شده است.

در اهمیت عدالت اقتصادی همین بس که حضرت علی علیه السلام فلسفه پذیرفتن خلافت پس از عثمان را به هم خوردن عدالت و منقسم شدن مردم به دو طبقه سیر سیر و گرسنه گرسنه ذکر می‌کند و می‌فرماید:

لولا حضور الحاضر و قیام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظه ظالم و لاسغب مظلوم لالقیتم حبلها علی غاربها و لسقیتم اخرها بکأس اولها.^۱ اگر گرد آمدن مردم نبود، و اگر نبود که با اعلام نصرت مردم، بر من اتمام حجت شود، و اگر نبود که خداوند از دانایان پیمان گرفته آن‌جا که مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی پرخور که از بس خورده‌اند، «ترش» کرده‌اند و گروهی گرسنه و محروم، اگر این‌ها نبود، من افسار مرکب خلافت را روی شانهاش می‌انداختم و رهایش می‌کردم و کاری به کارش نداشتم.

حضرت علی علیه السلام هنگام بیعت مردم با ایشان، بر حساسیت خود برقراری عدالت اقتصادی و لغو تبعیض‌های ناروا تأکید می‌کند.

۱- ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ: ج ۱، ص ۲۰۲

گسترش عدل، در سراسر جهان و از بین بردن ظلم و ستم، از مهمترین و اساسی‌ترین آرمان‌های جامعه مهدوی نیز شمرده شده است زیرا در ظرف ظهور حضرت، ظلم سرتاسر گیتی را فراگرفته و انسان‌ها با مکاتب و نگرش‌های مختلف تشنه عدالتند و خواهان و در جستجوی فرد و مکتبی که این تشنگی را فرو نشاند و آتش بیدادگری را خاموش کند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «ان الله یحیی الارض بعد موتها» فرمودند: مقصود عدل بعد از جور است. در روایات فراوانی آمده است که حضرت پس از ظهور زمین را از عدل و داد لبریز می‌کند. پس از آن که از ستم و بیداد لبریز شده باشد.^۱
در روایتی از امام رضا علیه السلام وارد شده که فرمودند:

الرابع من ولدی ابن سیده الإمام یطهر الله به الأرض من کل جور و یقدسها من کل ظلم و هو الذی یشک الناس فی ولادته و هو صاحب الغیبة قبل خروجه و إذا خرج أشرق الأرض بنوره و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحداً...^۲

چهارمین فرزند از نسل من، کسی است که خداوند زمین را به دست او از هر ظلم و جوری پاکیزه گرداند او کسی است که مردم در ولادتش تردید دارند، و قبل از قیامش، در غیبت خواهد بود، پس زمانی که زمین به نور او نورانی گردد، میزان عدل را در میان مردم می‌نهد پس هیچ کس نمی‌تواند بدیگری ستم روا دارد. در گستردگی عدالت در زمان ایشان امام صادق علیه السلام فرموده است:

۱- کلینی، ۱۳۶۵ هـ: ج ۱، ص ۵۳۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ ج ۵، ص: ۲۴۰

۲- اربلی، ۱۴۰۵ هـ، ج ۲، ص ۵۲۴

إن قائمنا إذا قام ... و الله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم كما يدخل الحر و القر^۱. زمانی که حضرت قیام کند ... سوگند به خدا، عدالت در درون خانه‌های مردم جای می‌گیرد هم چنان که سرما و گرما داخل خانه‌های آنان می‌شود.

بنابراین یکی از مهمترین و بارزترین ویژگی توسعه پایدار، یعنی عدالت در همه ابعادش، اعم از استفاده از منابع طبیعی، برابری در فرصت‌ها، برخورداری از ثروت و درآمد عادلانه، در جامعه مهدوی به طور گسترده تحقق می‌یابد و مردم از شهد آن متنعم خواهند شد. و به همین جهت است که در روایت آمده است که عدالت از غسل شیرین‌تر است و فقط کسی که عدالت را نیک می‌داند، آن را اجرا می‌کند.^۲ این حدیث بدین حقیقت که اجرای عدالت فقط در سایه نظام امامت امکان‌پذیر است، اشاره می‌کند.

۳. رفاه عمومی

در نگاه اسلام، بهره‌مندی از نعمت‌های خداوند در این دنیا نه تنها با سعادت انسان در دنیای دیگر منافات ندارد؛ بلکه آنان که از راه‌های مشروع در پی فراهم کردن اسباب رفاه خود و خانواده‌ی خویش برمی‌آیند، مورد تشویق نیز قرار گرفته‌اند.

بر اساس معرفی پیشوایان اسلام، خداوند دنیایی آباد برای انسان در نظر گرفته و تمام اسباب راحتی‌اش را در آن آماده ساخته است؛ در این معرفی دنیا جلوه‌ی محدود از بهشت قلمداد شده و

۱- مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۳۱

۲- کلینی، همان، ج ۱، ص ۵۴۱

به قول علامه طباطبایی (ره) نعمت بهشتی نعمت‌های تکامل‌یافته‌ی دنیاست.^۱ جامعه‌ی آرمانی امام زمان‌علیه السلام ویژگی‌هایی چون صفات بهشت، در حد ظرفیت انسان در این دنیا، دارد. یکی از این ویژگی‌ها که روایات زیادی بر آن گواهند فراوانی نعمت و برخورداری انسان از انواع نعمت‌های خداوند است. بر اساس آن چه از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود در بهشت محدودیتی برای نعمت‌های الهی وجود ندارد و آن چه دل‌ها بخواهد و دیدگان را خوش آید، در آن جا هست.

و فیها ماتشتهیه الانفس و تلذّ الاعین.^۲

همچنین در سخن امام صادق‌علیه السلام، در زمان قیام حضرت مهدی‌علیه السلام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و مردم چنان بی‌نیاز می‌شوند که برای مصرف زکات نیازمندی یافت نمی‌گردد.^۳

بر طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، امت ایشان در زمان حضرت مهدی به نعمت‌هایی دسترس پیدا می‌کنند که تا آن زمان سابقه نداشته است. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد.

یکون فی امتی المهدی ... یتنعم امتی فی زمانه نعیماً لم یتنعموا مثله قطّ و البرّ والفاجر،

یرسل السماء علیهم مدراراً، و لاتتخر الارض شیئاً من نباتها.^۴

۱- طباطبایی، بی تا ج ۵، ص ۲۱۲

۲- قرآن کریم، زخرف، آیه ۷۱

۳- دیلمی، ۱۳۱۸هـ: ج ۲، ص ۳۸۱

۴- مجلسی، همان: ج ۵۱، ص ۷۸

چنین رفاه و آبادانی بدون شک معلول عواملی است که در آن زمان تحقق خواهد یافت از

جمله:

الف. زوال حکومت‌های جور و برقراری حکومت عدل جهانی

فقر گسترده‌ای که امروزه جهان اسلام و بلکه کل جهان را آزار می دهد، پیامد ستم حکومت‌های جور است که با زیاده‌خواهی، حقوقی که را که انسان‌های مظلوم در نعمت‌های عالم هستی دارند سلب می‌نمایند و یا نتیجه ناکارمندی حکمران‌های ضعیف و گاهاً دست‌نشانده است که ضعف خود را با چپاول اموال عمومی و یا گسیل اموال به سوی بیگانگان جبران می‌کنند. در زمان حضرت با زوال این حکومت‌ها و برپایی حکومت عدل جهانی ریشه ظلم و استثمار برچیده شده و به طور طبیعی و با توجه به کفایت منابع طبیعی و حتی فراوانی این منابع در آن زمان، فقر ریشه‌کن می‌شود. به همین جهت است که در روایت از امام باقر علیه السلام آمده است:

ما اوسع العدل ان الناس يستغنون اذا عدل عليهم^۱

عدل چقدر گسترده است، اگر میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند.

و نیز امام کاظم علیه السلام فرموده است:

خداوند همه اموال را بین مردم تقسیم نموده است و حق همه مردم اعم از خواص، عوام، بینوا

و تهیدست و هر گروهی از آنان را اعطاء کرده است. سپس امام فرمود: هرگاه بین آنان به عدالت

رفتار می‌شده همه بی‌نیاز می‌شدند.^۲

۱- محدث نوری، همان، ج ۱۱، ص ۱۲۳

۲- شیخ طوسی، ۱۳۶۵ هـ: ج ۴، ص ۱۳۰

ب. فراوانی نعمت

در زمان امام زمان سطح تقوی و ایمان مردم بالا می‌رود به طوری که آمده است که هیچ مکانی یافت نمی‌شود، مگر این‌که در آن‌جا عبادت خداوند انجام می‌گیرد^۱ و بر اساس سنت خداوند که در قرآن آمده است رابطه مستقیمی بین سطح تقوی و افزونی برکات خداوند وجود دارد و یا طبق آن چه در سوره نوح^۲ آمده است بین استغفار که پاکی از بدنبال دارد و باران رحمت الهی و گسترش مال و ثروت رابطه وجود دارد.

از طرفی اجرای عدالت نیز همانند تقوی دارای برکات فراوانی خواهد بود که فراوانی نعمت را بدنبال خواهد داشت چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

با اجرای عدالت، برکات خداوند مضاعف می‌شود.^۳

و نیز امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند:

در دوران ظهور زمین نعمت‌های خود را بر مردم آشکار می‌کند و منابع کمیاب فراوان می‌شود این فراوانی هم می‌تواند ناشی از اجرای عدالت و افزایش سطح ایمان مردم باشد و یا ناشی از فزونی دانش و علم که به آن اشاره خواهیم نمود.

از پیامبر خدا نقل شده که زمین گنج‌ها و معادن خود را در آن زمان ظاهر خواهد کرد.^۴

حضرت علی علیه السلام نیز در این باره فرموده‌اند:

تخرج له الارض اقالید کبدها و تلقی الیه سلماً مقالیدها فیریکم کیف عدل السیره^۱ ...

۱- صدوق، ۱۴۰۵ ه. ق. ص ۳۴۵، ج ۳۱

۲- قرآن کریم، اعراف، آیه های ۱۰-۱۲

۳- میرزا نوری همان، ج ۱۱، ص ۳۲۰

۴- اربلی همان: ج ۲، ص ۵۲۷

زمین منابع درونی خود را برایش آشکار می‌سازد و برکات خویش را براحتی در اختیارش می‌گذارد.

ج. توسعه علم و دانش

امروزه سرمایه انسانی کارآمد نقش بسیار مهمی در جوامع توسعه یافته دارد و به همین جهت دولت‌ها معمولاً در صدد گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی به منظور کارآمد نمودن مدیریت‌ها و نیروی کار و افزایش بهره‌وری در اقتصاد می‌باشند.

اسلام بر دانش و فراگیری آن تأکید فراوان کرده است؛ برای مثال یکی از معصومان علیه السلام می‌فرماید: دانش را فرا گیرید، هر چند به بهای فرو رفتن در گرداب‌ها و ریختن خون قلب‌هایتان باشد.^۲

مطالعه‌ی سیره‌ی عملی پیامبر اکرم و مسلمانان صدر اسلام نیز نشان‌دهنده‌ی اهمیت این موضوع است. پیامبر صلی الله علیه وآله پس از جنگ بدر مقرر داشت: اسیرانی که توان پرداخت فدیة ندارند، در برابر آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان آزاد شوند. اعزام دو تن برای آموختن شیوه‌ی استفاده از منجیق نشان‌دهنده‌ی توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به این مهم است.^۳ مسلمانان، با ادامه‌ی این راه، چنان در آموزش علوم و فنون پیش رفتند که در طی دو قرن پناه‌گاه دانش‌پژوهان جهان گشتند. در فرهنگ اسلامی، در کنار دانش، به مسأله‌ی خرد نیز توجه بسیار شده است. در منابع روایی، تحت عنوان "کتاب عقل و جهل"، درباره‌ی ارزش خرد و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۶

۲- همان: ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۵۴۳۸

۳- صدر، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹-۱۲۳

دعوت انسان‌ها به تعقل و تفکر روایات فراوان به چشم می‌خورد.^۱ این روایات، عقل را پیامبر باطنی^۲ وسیله‌ی عبادت خداوند متعال و رسیدن به بهشت شمرده‌اند.^۳ در زمان حضرت مهدی علیه السلام مردم به درجه‌ی بالایی از رشد و کمال عقلانی خواهند رسید.^۴

یکی از خصوصیات جامعه مهدوی نیز فراوانی علم و دانش مردم در این زمان است. علم و دانش در زمان ایشان به بلوغ خود می‌رسد این پیشرفت هم در زمینه علوم مادی اتفاق می‌افتد و هم در ناحیه علوم الهی و معارف دینی. این ویژگی که به نوبه خود یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شود، موجبات رفاه و فراوانی نعمت را نیز فراهم می‌سازد. این دانش سبب می‌شود مردم بهتر بتوانند از نعمت‌های خدادادی استفاده کنند. از اسراف و اتلاف در منابع و عوامل تولید پرهیز شده و سطوح رفاه بالاتری را برای مردم به ارمغان می‌آورد.

در باره افزایش دانش عمومی امام باقر (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَع يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ، فَجَمَعَ بَيْنَ عَقُولِهِمْ وَأَكْمَلَ بِهِ أَحْلَامَهُمْ».^۵

هنگامی که قائم ما علیه السلام قیام کند، دستش را بر سر بندگان گذاشته عقل آنان را متمرکز نموده و درک آنان را به کمال رساند.

در نسخه دیگری این روایت آمده است: و اکمل به اخلاقهم.^۶ یعنی اخلاق مردم به واسطه آن حضرت کامل می‌شود.

۱- کلینی، جلد اول، کتاب‌العقل و الجهل

۲- همان، ص ۱۶

۳- همان، ص ۱۱، ج ۳

۴- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶

۵- صافی گلپایگانی، ص ۲۰۰

۶- مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶

دامنه گسترش علوم آن چنان گسترده خواهد بود که حتی خانم های خانه دار از دانشی در حد اجتهاد برخوردار خواهند شد. از امام باقرعلیه السلام نقل شده است که:

و توتون الحکمة فی زمانه حتی ان المرأة لتقضى فی بیتها بکتاب الله و سنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم^۱.

در حدیثی که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده در می یابیم که در عصر ظهور زمین به نور حضرتش نورانی شده و بندگان خدا از نور خورشید بی نیاز می گردند که شاید اشاره به قدرت فوق العاده تکنولوژی و استفاده از انرژی هایی است که تا به حال کشف نشده باشد:

ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنوره و استغنی العباد من ضوء الشمس^۲.

در حدیث دیگری شبیه این حدیث از امام صادق علیه السلام از گسترش عظیم مخابرات و ارتباطات خبر داده می شود بنحوی که افراد در شرق و غرب عالم می توانند همدیگر را از دوردست ها نظاره کنند:

ان المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری اخاه الذی فی المغرب، و کذا الذی فی المغرب یری اخاه الذی فی المشرق^۳.

در مجموع همه این عوامل، موجبات توسعه یافتگی را فراهم می آورد که رفاه عمومی را نیز بدنبال دارد. نکته قابل توجه این است که با این که برقراری رفاه از اهداف الگوهای توسعه ی دیگر مکاتب نیز شمرده می شود؛ ولی بی تردید رفاه نظام اسلام و به تبع آن در جامعه مهدوی با رفاهی که در دیگر نظام ها مطرح است، تفاوت دارد. در الگوی توسعه ی اسلام رفاه به امور زیر مقید است:

۱- همان، ص ۳۵۲، ج ۱۰۶

۲- اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۶۴

۳- همان، ص ۳۹۱، ج ۳۱۲

الف. مشروعیت

تحقق رفاه و آسایش مردم باید از راه‌های مشروع تحقق یابد و موجب ارتکاب حرام یا تضییع حقوق دیگران نشود. مطالعه‌ی تاریخ تحولات کشورهای پیشرفته به‌خوبی نشان می‌دهد که آن‌ها این پیشرفت و رشد را در سایه‌ی چپاول اموال سایر کشورها به‌دست آورده‌اند.

ب. همگانی بودن

باید عموم مسلمانان و افرادی که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، از رفاه برخوردار شوند. در نظام اسلامی حتی به حقوق اقلیت‌ها نیز توجه شده است. حضرت علی‌علیه السلام از عدم توجه به مرد بی‌کار و فرتوت مسیحی، ناراحت شد و فرمان داد نیازهای وی را از بیت‌المال برآورده سازند.^۱

ج. رعایت حدود الهی

رفاه در توسعه‌ی اسلامی به عدم اسراف و تبذیر محدود است. آن‌چه امروزه در بسیاری از کشورها رفاه خوانده می‌شود، از نظر مواد مصرفی و مقدار آن، نوعی اسراف است. ترویج فرهنگ مصرف کالاهای لوکس، به منظور افزایش تقاضا برای فرآورده‌های کارخانه‌ها، به‌معنای از بین بردن منابع اولیه‌ی متعلق به نسل‌های آینده و آلوده ساختن محیط زیست است و از مصادیق و نمونه‌های اسراف در چنین جوامعی شمرده می‌شود.

د. پرهیز از غفلت و دنیا زدگی

تأمین وسایل آسایش انسان در این دنیا در راستای تحقق نیکبختی وی یعنی نزدیکی به خداوند متعال است. بنابر این، استفاده از این نعمت‌ها باید به فزونی شکر انسان و تربیت و تهذیب وی بینجامد نه غفلت و سرکشی؛ به‌عبارت دیگر، در توسعه‌ی اسلامی رفاه مطلوب است نه اسراف.

۱- ری شهری، ج ۲، ص ۱۲۲۸، ح ۸۱۵۲

از آن جا که به طور معمول ثروت بسیار به غفلت از یاد خدا می‌انجامد و آثاری چون طغیان و گناه در پی دارد؛ رهبران الهی پیروان خود را به داشتن حد کفاف از نعمت‌ها و خواستن آن از خداوند سفارش کرده‌اند.^۱

با توجه به تربیت انسان‌ها در جامعه مهدوی و نیز حاکمیت قانون خداوند و گسترش عدالت، توسعه‌ای که در زمان ظهور تحقق می‌یابد واجد همه این ویژگی‌ها خواهد بود.

۳. برقراری امنیت

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی، برخورداری از سطح مطلوبی از سلامتی و امنیت است. علاوه بر آن، تأمین امنیت اقتصادی یکی از عوامل اساسی جذب سرمایه‌های ملی به سوی تولید شمرده می‌شود. این امنیت ممکن است از جهات مختلف مورد تهدید واقع شود، مانند:

الف. تغییر نظام سیاسی؛

ب. اعمال زور و فشار به وسیله‌ی فرمانروایان؛

ج. تغییر قوانین اقتصادی کشور و وضع مالیات‌های سنگین؛

د. اعمال فشار به وسیله‌ی مؤسسات بزرگ اقتصادی و اخراج موسسه‌های کوچک از بازار؛

بی تردید تحقق توسعه در نظام اسلام، بدون توجه به این هدف امکان‌پذیر نیست. ائمه‌علیهم

السلام نیز با تعبیر مختلفی از آن یاد کرده‌اند. حضرت علی‌علیه السلام آسایش زندگی را در

سایه‌ی امنیت قابل تحقق می‌داند.^۲

۱- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴: ص ۲۱۰

۲- الامدی، همان: ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۵۴۳۸

برخورداری از این دو نعمت ویژگی‌های مشترک بهشت و جامعه‌ی آرمانی حضرت مهدی علیه السلام نیز شمرده می‌شود. در بهشت خداوند انسان‌ها را به خانه امن خود دعوت می‌کند. (یونس: ۲۵) و می‌فرماید: ادخلوا الجنة لا خوف علیکم و لا اتم تحزنون.^۱ و بهشتیان نیز می‌گویند: الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن^۲

همچنین در جامعه‌ی امام زمان برقراری امنیت کامل است. در آن جامعه بندگان خدا هیچ نگرانی و هراسی ندارند و خدا را بر این امنیت سپاس می‌گویند.

در آن زمان جامعه چنان امن می‌شود که هرگاه زنی به تنهایی از یک‌سوی دنیا به طرف دیگر برود، هیچ‌کس متعرض او نخواهد شد؛ این امنیت حتی از سوی جانوران نیز برقرار می‌شود.

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: ... و لو قد قام ثامننا لذهبت الشحاء من قلوب العباد، و اصطلحت السباع و البهائم حتی تمشی المرأة بین العراق الی الشام ... علی رأسها زیلها لایهیجها سيع و لا تخافه.^۳ و چون قائم ما قیام کند کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز باهم سازگاری کنند. در آن روزگار، زن با همه بارو بنه خویش، از عراق در آید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد...

حفظ محیط زیست

همان‌طور که در بخش‌های پیشین مقاله گذشت، حفظ محیط زیست و منابع زیست محیطی یکی از مهمترین ویژگی‌های توسعه پایدار محسوب می‌شود و گفته شد که اصولاً یکی از عوامل

۱- قرآن کریم، اعراف، آیه: ۴۹

۲- قرآن کریم، فاطر، آیه ۳۴.

۳- مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۱۶

اساسی توجه به مسئله پایداری توسعه، نگرانی نسبت به تخریب محیط زیست بوده است. دین اسلام نیز که همواره در تعالیم نورانی خویش مطابق با فطرت آدمیان راه وسط را در پیش گرفته است در برخورد با طبیعت و مواهب طبیعی نیز، نه آن چنان دست انسان را باز گذاشته تا هر نوع تصرفی بخواهد در آن ها بکند و به بهای نابودی این نعمت‌های خدادادی، زندگی خود را اداره کند و تجمل بخشد و نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش دانسته و در مقابل آن به سجده بیفتد و هیچ گونه تصرفی در آن ننماید و صرفاً به دیده تقدیس به آن بنگرد. بلکه در عین این که فرموده است ما همه جهان را برای آسایش انسان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایم، از طرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسته بلکه به عنوان آیه و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور نسبی که تسبیح‌گوی خداوند معرفی کرده و برای همه آن ها اعم از حیوان و گیاه حقوقی در نظر گرفته و انسان‌ها را به رعایت آن حدود و حقوق دعوت می‌کند به گونه‌ای که اگر در اثر کمی آب، با استفاده آن برای وضو یا غسل، جان حیوانی در خطر باشد، وضو گرفتن یا غسل کردن جایز نبوده و وظیفه شخص تبدیل به تیمم می‌شود..

آیات و روایات ضمن توجه دادن به مظاهر طبیعی، و احترام آنان، بشر را تشویق به حفاظت از منابع موجود در طبیعت و استفاده صحیح از آن‌ها کرده و هر گونه بهره برداری ناروا، اعم از اسراف و اتلاف و تزییع حقوق دیگران اعم از نسل‌های فعلی و بعدی را نهی کرده است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خداوند کریم که خود مظهر جمال و زیبایی است سراسر گیتی را به زیبایی می‌ستاید.^۱ و در خلقت انسان به عنوان اشرف مخلوقات و زیباترین زیباها^۲ به خود تبریک می‌گوید.^۳
 ۲. خداوند آن چه را در طبیعت برای بهره‌برداری انسان قرار داد به عنوان طیبات از آن یاد کرده است و چنین نعمتی را در سایه کرامت انسان معرفی نموده است.
لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات.^۴
 ۳. خداوند متعال هر چه را در این عالم هستی است و از جمله پرندگان، حیوانات و کوه‌ها و دریاها و... دارای شعور و تسبیح گوی و ستارگان و درختان را نیز چهره سایان خود معرفی می‌نماید اما می‌فرماید آدمیان از درک تسبیح آنان ناتوانند.^۵
 ۴. قرآن در بسیاری از آیات به عالم نآشکار (غیب) و عالم آشکار (شهادت) اشاره می‌کند. عالم شهود نظام واقعیت مستقلی نیست بلکه مظهری است از عالم بسیار عظیم‌تری که فراسوی آن است و این عالم از آن صادر می‌شود.
- ... در نتیجه این نگرش به طبیعت که حدود و ثغور آن در قرآن تعیین شده و در حدیث و سنت پیامبر مورد تأکید قرار گرفته است، مسلمانان همیشه به طبیعت عشق می‌ورزیده‌اند، طبیعتی که بازتابی از واقعیات بهشتی در این عالم پایین است. سعدی شاعر ایرانی این بیت مشهور را سروده است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست^۱

۱- قرآن کریم، آیه سجده: ۷

۲- قرآن کریم، تغابن، آیه ۳

۳- قرآن کریم، مؤمنون، آیه ۱۴

۴- قرآن کریم، اسراء، آیه ۷۰

۵- قرآن کریم، الرحمن، آیه ۶؛ رعد، آیه ۱۳؛ اسراء، آیه ۱۴ و آیه اول از سوره‌های حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن

۵. خداوند متعال ضمن تأکید بر این که نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌نماید و می‌فرماید:

لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها^۲ در جای دیگر نیز بعد از تجویز استفاده از رزق خداوند می‌فرماید در روی زمین فتنه و فساد ننمایید.^۳ طبیعی است که استفاده نابخردانه از مواهب طبیعت و زیاده‌روی در بهره‌برداری از آن از موارد فساد در روی زمین می‌باشد.

همچنین کسانی را که دست به تخریب مظاهر زیبایی خداوند زده و نظام باشکوه آفرینش را به آلودگی تباه می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد نارسایی‌ها و مشکلات بر روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند^۴ و در نهایت هم می‌فرماید که خود دوستدار فساد نمی‌باشد.^۵

۶. پروردگار جهانیان، طبیعت را به عنوان آیه و نشانه شناخت خود و پی بردن به عظمت او و نیز تغییر فصل‌های سال و زندگی مجدد طبیعت پس از مرگ زمستانی را یادآور قیامت معرفی نموده است و ضمن دعوت انسان‌ها به تفکر در آفرینش آسمان و زمین، کسانی که از این نشانه‌ها پند می‌گیرند صاحبان خرد و اندیشه برشمرده است.^۶

۱- قرآن کریم، نصر، ۱۳۷۹، ص ۲۱۸

۲- قرآن کریم، اعراف، آیه: ۵۶

۳- قرآن کریم، بقره، آیه ۶۰

۴- قرآن کریم، روم، آیه ۴۱

۵- قرآن کریم، بقره، آیه ۲۰۵

۶- قرآن کریم، نور، آیه: ۴۴؛ آل عمران، آیه ۱۹۰؛ اعراف، آیه: ۵۷ و روم، آیه ۱۹

۷. خداوند متعال در قرآن کریم کراراً به مظاهر طبیعت سوگند یاد نموده است و بدیهی است که باشد متعلق سوگند از اهمیت و اعتبار بالایی در نزد خداوند برخوردار است.^۱
۸. خداوند متعال بر اساس روایتی که از رسول گرامی اسلام نقل شده، ضمن معرفی خود به عنوان پاکی و پاکیزگی فرموده است پاکی و نظافت را دوست دارد و بر همین اساس خلیفه خود را نیز به این امر پسندیده دعوت می‌نماید.
- « ان الله طيب يحب الطيب، نظيف يحب النظافة، كريم يحب الكرم، جواد يحب الجود، فنظفوا افئیتکم » یعنی خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد، کریم است و بخشش را دوست دارد، پس زندگی خود را پاکیزه سازید.^۲
۹. در روایتی از امام صادق، آمده است: لا تطيب السكنى إلا بثلاث الهواء الطيب و الماء الغزير العذب و الأرض الخوارة^۳. زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نمی‌باشد. هوای تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل خیز.
- روشن است که موارد فوق از مصادیق بارز محیط زیست سالم و در نتیجه داشتن زندگی با نشاط می‌باشد.
۱۰. در روایات فراوانی به حفظ راهها، آبها و سایر اماکن عمومی توجه داده شده و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده و در مواردی نیز ضمان آور دانسته شده است، از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱- قرآن کریم، آیات اول از سوره‌های شمس، ضحی و تین

۲- حیدری، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۶۰۶

۳- مجلسی، همان: ج ۲۵، ص ۲۳۴

« من اخرج میزباً او کنیفاً او اوتد وتداً او اوثق دابةً او حفر شيئاً فی طریق المسلمین فاصاب فعضب فهو له ضامن»^۱ یعنی هر کس ناودان یا گودال و یا چاهی در راه مسلمانان ایجاد کند و یا میخی در جای بکوبد و یا حیوانی را در جایی ببندد و کسی در اثر برخورد با آن صدمه ببیند ضامن آن است.

۱۱. خداوند متعال کسانی را که آسایش مسلمانان را در زندگی‌شان فراهم می‌کند ستوده و در مقابل افرادی را که طبیعت را آلوده کرده و بدین وسله اسباب اذیت و ناراحتی مردم را ایجاد کنند مورد نکوهش سخت خود قرار داده است. بر اساس روایت پیامبر اکرم هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند خداوند اجر خواند ۴۰۰ آیه از قرآن برای او ثبت می‌کند که ثواب هر آیه ده حسنه است.^۲

منظور از راه در فرمایش پیامبر اکرم می‌تواند تمام راه‌ها اعم از زمینی، دریایی و هوایی را شامل شده و موانع نیز هر چیزی که سلامت و نشاط عابران را سبب شود اعم از دود کارخانجات و زباله‌ها و... را شامل می‌شود.

همچنین رسول گرامی اسلام فرموده‌اند:

ثَلَاثٌ مَلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ: الْمَتَّعُوطُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَ الْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُنْتَابَ وَ سَاءُ الطَّرِيقِ

الْمَسْلُوكِ^۳

۱- الحر العاملي، همان: ج ۲۹، ص ۲۴۵

۲- نوری، همان: ج ۱۲، ص ۳۸۵

۳- حر عاملي، همان: ج ۱، ص ۳۲۵

سه گروهند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: الف. کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند. ب. کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند. ج. کسانی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شوند. همچنین نسبت به کسانی که آب‌ها را آلوده می‌کنند نهی شدید شده‌اند. امام صادق علیه السلام از قول پدرانش از پیامبر خدا صلوات الله علیه نقل می‌کند:

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَتَعَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بئرٍ مَاءٍ يُسْتَعَذَّبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعَذَّبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرَتُهَا^۱

پیامبر اکرم صلوات الله علیه از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب، و یا زیر درخت میوه نهی کردند. در جامعه مهدوی، محیط زیست به دلایل زیادی حفظ می‌شود. اشاره کردیم در زمان حضرت مردم از جهت معنوی رشد می‌کنند و گرد معصیت خداوند نمی‌گردند، بنابراین در استفاده از منابع زیاده‌روی نخواهند کرد، همچنین اتلاف این ثروت‌ها را نیز توسط آنان صورت نمی‌گیرد. آلوده‌سازی محیط تضییع حق دیگران بوده و حرام شمرده می‌شود. اجرای همه جانبه عدالت و از جمله عدالت بین نسلی اقتضاء می‌کند که در استفاده از منابع، خصوصاً منابع پایان‌پذیر، مصالح نسل‌های بعد نیز در نظر گرفته شود و در مصرف منابع زیاده‌روی نشود. همچنین آلوده‌سازی محیط و تحمیل هزینه‌های اجتماعی بر دیگران، با عدالت سازگار نیست و در آن زمان رخ نخواهد داد.

۳. در زمان حضرت بر اساس روایات وارده، منابع زیر زمینی زیادی کشف می‌شود و زمین‌ها حاصلخیز می‌شوند به طوری که بسیاری از زمین‌ها سرسبز و از درخت پوشیده می‌شود مثلاً از

امام علی علیه السلام نقل شده: زمانی که قائم ما قیام کند آسمان باران خود را بفرستد و زمین

نبات خود را برویاند به طوری بین عراق و شام را سرسبزی فرا می‌گیرد.^۱

همچنین از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مدهامتان نقل شده است که بین مکه و

مدینه از نخل پوشیده می‌شود.^۲

همچنین منابع پایان‌پذیر همانند پرندگان و ماهی‌ها زیاد خواهند شد ضمن این که استفاده

بی‌رویه از این منابع صورت نخواهد گرفت. إذا كان عند خروج القائم ... فعند ذلك تفرخ الطيور في

أوكارها و الحيتان في بحارها و تمد الأنهار و تفيض العيون و تنبت الأرض ضعف أكلها^۳

در زمان حضرت، زایش پرندگان در لانه‌ها و ماهی‌ها در دریاها زاید می‌شود، رودها گسترش

می‌یابد، چشمه‌ها می‌جوشد و زمین دوبرابر محصول می‌دهد.

گسترش علم و دانش، موجب می‌شود راه‌های استفاده بهینه از منابع زیست محیطی شناخته

شود و فرایندهای تولیدی تخریب‌کننده محیط زیست کنار گذاشته شود.

حاکمیت دولت مهدوی در کنار تسهیل ارتباطات، در آن زمان نظارت دولت را ممکن می‌سازد

و دولت با هدف رفاه مردم و نیز تأمین عدالت درون نسلی و بین‌نسلی، با هرگونه اقدامی که به

تخریب محیط زیست بینجامد، مقابله می‌کند. در روایتی که از امام معصوم، نقل شده آمده است:

عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي حَدِيثٍ لَهُ اخْتَصَرْنَاهُ قَالَ إِذَا

قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... وَ يُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ ... وَ يَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَ كُلَّ جَنَاحٍ وَ

كَنْيَفٍ وَ مِيزَابٍ عَلَى الطَّرِيقِ.^۱

۱- مجلسی، همان: ج ۱۰، ص ۱۰۴

۲- قمی، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۳۴۶

۳- مجلسی، همان: ج ۵۲، ص ۳۵۴

وقتی امام زمان ظهور می‌کند ... راه‌های بزرگ را توسعه می‌دهد ... و مساجد سر راه، ناودان‌ها، بالکن‌ها و دستشویی‌هایی که در سر راه هستند تخریب می‌کند.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله بر سه ویژگی اساسی در توسعه پایدار، اصل توسعه یافتگی، عدالت و محیط زیست تاکید شد. اشاره کردیم در شریعت اسلام با پیش‌بینی اصول و نیز نهادهایی که با استفاده از آیات قرآن و روایات اهل بیت استخراج می‌شود، ویژگی‌های پیش‌گفته در جامعه اسلامی قابل تحقق است. با توجه به این که جامعه مهدوی با توجه به وعده‌هایی که از سوی پیشوایان دینی داده شده جامعه آرمانی در نظام اسلامی مطرح است به طور طبیعی این اصول و نهاد در بهترین صورت خود، در آن زمان تحقق یافته و زمینه توسعه پایدار را فراهم می‌کنند. شواهد فراوانی وجود دارد که همه حاکی از این هستند که در آن زمان ویژگی‌های جامعه توسعه یافته فراهم است و این توسعه از پایداری نیز برخوردار می‌باشد. بنابراین همان‌طور که از فلسفه انتظار می‌توان فهمید تمامی منتظران و نیز دولت اسلامی، به عنوان دولت منتظر ظهور، وظیفه دارند تلاش در تحقق این ویژگی‌ها و حداقل ایجاد زمینه‌های آن باشند. همچنین با مطالعه آرمان‌های معرفی شده برای آن دوران، می‌توان جهت‌گیری‌های این دوران را در ارتباط با بهره‌برداری از منابع زیست‌محیطی استنباط کرد. به امید ظهور حضرت مهدی و تحقق جامعه مهدوی.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن مجید
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ هـ.
- ۴- اربلی ابی الحسن علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمه، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ هـ ج ۲.
- ۵- الامدی التمیمی، عبدالواحد: غررالحکم و دررالکلم، تحقیق میرسید جلال الدین محدث الارموی، جامعه تهران، ۱۳۶۰. ش.، ج ۳.
- ۶- پرمن، راجرز، یوما و مک گیل ری جیمز، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، حمید رضا ارباب، تهران، نشر نی، اول، ۱۳۸۲.
- ۷- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۱۰۴ هـ. ق): وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۸- حکیمی، محمد، عصر زندگی، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۱.
- ۹- حیدری، غلامحسن، نهج الفصاحة، ج ۲، ص ۶۰۶، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۳۷۹.
- ۱۰- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، دوم، ۱۳۷۴.
- ۱۱- دیلمی، حسن بن الحسن، ارشادالقلوب، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم، ۱۳۱۸ هـ ج ۲.
- ۱۲- ردکلیفت، مایکل، توسعه پایدار، حسین نیر، تهران، مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول، ۱۳۶۳.

۱۳- رضایی، مجید، مالیات‌های حکومتی، مشروعیت یا عدم مشروعیت؟ نامه مفید، ش ۳۵، قم، دانشگاه مفید، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲ ش.

۱۴- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۷۴ ش.

۱۵- زاکس ولفانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش..

۱۶- شیخ طوسی، تهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة، ۱۳۶۵ هـ ق.

۱۷- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر،

۱۸- صدر، سید کاظم، اقتصاد صدر اسلام، تهران دانشگاه شهید بهشتی، اول، (۱۳۷۴)

۱۹- صدوق، محمد، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، چاپ اول، مؤسسه انشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۵

هـ ق

۲۰- طباطبایی، سید محمد حسین: تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم،

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳

۲۱- طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم،

۱۳۸۲.

۲۲- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، مؤسسه دارالکتاب، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۴.

۲۳- کلینی، یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ ق، ج ۱.

۲۴- کورانی، عصر ظهور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانی، ۱۴۰۳.

۲۵- محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ، ج ۵

۱۰۰ مجموعه مقالات همایش 'سلام و توسعه اقتصادی' مولفه ها و مبانی»

۲۶- مفید، نعمان، الاختصاص، کنگره شیخ مفید، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ هـ.

۲۷- مولدان بدریچ، بیلهارز سوزان، شاخص های توسعه پایدار، نشاط حداد تهرانی، ناصر محرم

نژاد، تهران انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱.

۲۸- نصر، سید حسین، نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، قم، کتاب طه، چاپ اول،

۱۳۷۹.

۲۹- هات، جان اف، علم و دین، بتول نجفی، قم، کتاب طه، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۳۰- یوسفی، احمد علی، فراهانی فرد سعید و لشکری علیرضا: ماهیت و ساختار اقتصاد

اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول ۱۳۷۸.